

قدر و ارزش آدمی

سرویس اندیشه ایکن در ویژه‌برنامه «امیر دانایی»، به بررسی مجموعه سه‌جلدی «کران بی‌کران» اثر سیده‌زینب شیرازی می‌پردازد؛



سرویس اندیشه ایکن در ویژه‌برنامه «امیر دانایی»، به بررسی مجموعه سه‌جلدی «کران بی‌کران» اثر سیده‌زینب شیرازی می‌پردازد؛ اثری که با نگاهی تربیتی به حکمت‌های نهج‌البلاغه، راهکارهای عملی برای زیست اخلاقی در دنیای امروز ارائه می‌دهد. در این شماره، حکمت ۴۷ نهج‌البلاغه مورد توجه قرار گرفته که در آن پاسخی صریح و حکیمانه به یکی از قدیمی‌ترین پرسش‌های بشری دارد: ارزش و قیمت واقعی یک انسان بر چه اساسی سنجیده می‌شود؟

به گزارش ایکن، نویسنده کتاب «کران بی‌کران» با نگاهی نو، کلام امیرالمؤمنین (ع) را از حصار کلمات انتزاعی خارج کرده و به متن زندگی امروز می‌آورد. او روایت خود را با این اصل آغاز می‌کند که کلام امام سهل و ممتنع است؛ یعنی در عین سادگی برای عموم، حاوی سخت‌ترین استانداردهای اخلاقی است که بازخوانی آن برای جامعه امروز ضرورتی حیاتی دارد.

حضرت علی (ع) در حکمت ۴۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَتِهِ، وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ اتَّقِيَتِهِ، وَوَعْفَتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» ارزش هر کس به اندازه همت اوست؛ صداقت او به اندازه جوانمردی اوست؛ شجاعتش به قدر عزت نفس اوست و پاکدامنی اش به میزان غیرت اوست.»

ارزش آدمی، وسعت همت اوست

در نخستین فراز «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»، نویسنده به نقد نگاه‌های سطحی به ارزش انسان می‌پردازد. واژه «الرجل» فارغ از جنسیت، به معنای جوهره انسانی است. نویسنده استدلال می‌کند که «همت» همان خط‌کشی است که قیمت ما را تعیین می‌کند. تفاوت آدم‌ها در دارایی‌هایشان نیست؛ بلکه در افق آرزوها و تلاش‌هایشان است. کسی که همتش تنها گذران روزمره و تامین نیازهای غریزی است، به همان اندازه می‌ارزد؛ اما آن که همتش نجات یک جامعه یا رسیدن به قله‌های کمال است، ارزشی بی‌کران می‌یابد. همت، همان موتور محرکی است که عیار وجودی فرد را در نظام هستی مشخص می‌کند.

صداقت، نشان جوانمردی

نویسنده در ادامه «وَصِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَتِهِ»، پل میان راستی و مروت را ترسیم می‌کند. مروت، فراتر از یک قانون خشک، به معنای «آداب دانی و وقار اجتماعی» تعریف شده است. کتاب با ظرافتی خاص توضیح می‌دهد که انسان با مروت، آن قدر شأن و بزرگی برای خود قائل است که حیفتش می‌آید ساحت روحش را به دروغ بی‌الاید. در واقع، دروغ‌گویی میوه «بی‌مروتی» و حقارت نفس است. نویسنده تأکید می‌کند که مصادیق مروت با توجه به زمان و مکان تغییر می‌کنند، اما اصل آن که «حفظ وقار و کرامت» است، همواره ریشه در صدق و صفا دارد.

شجاعت یعنی آزادگی

در فراز سوم «وَشَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ اتَّقِيَتِهِ»، شجاعت از میدان‌های جنگ فیزیکی به میدان‌های نبرد با نفس منتقل می‌شود. نویسنده با تکیه بر واژه «آنفة» (عزت نفس)، شجاعت را در «بی‌اعتنایی به قدرت‌های مادی» معنا می‌کند. انسان شجاع در این روایت، کسی است که به خاطر نیاز مادی یا طمع دنیا، در برابر صاحبان زور و ثروت کرنش نمی‌کند. این شجاعت اخلاقی، ریشه در آن دارد که انسان، خود را بزرگ‌تر و ارزشمندتر از آن می‌بیند که به غیر از حق، به کسی باج بدهد.

عفت، میوه درخت غیرت

تحلیل دیگر کتاب در بررسی پیوند میان «عفت» و «غیرت» رقم می‌خورد «وَعَفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ». نویسنده با استفاده از مفهوم فلسفی «حقیقت‌تشکیکی»، توضیح می‌دهد که عفت و پاکدامنی، میوه طبیعی درخت غیرت است. او غیرت را به معنای تنفر از مشارکت دیگری در امر محبوب تعریف کرده و آن را یک سازوکار صیانتی برای روح می‌بیند.

نویسنده با نگاهی نقادانه، میان غیرت عقلانی و تعصب‌های کور یا حزبی مرز می‌کشد و تأکید می‌کند که غیرت تنها زمانی

فضیلت است که در جای درست و طبق دستور عقل و شرع باشد. او دایره غیرت را چنان گسترش می دهد که تمام مکارم اخلاقی را در بر می گیرد.

امام علی (ع) در حکمت ۴۷، عیار واقعی انسان را از چنبره معیارهای مادی و اعتباری رها کرده و آن را به چهار ستون درونی پیوند می زند: «همت»، «مروت»، «شجاعت» و «عفت». در این نگاه، قیمت هر انسان نه به داشته های او، بلکه به «افق نگاه» و «غیرت اخلاقی» اوست.